

سر آرتور لوئیس

سال دریافت جایزه: ۱۹۷۹

دریافت جایزه به پاس: پیشگامی در مطالعات توسعه اقتصادی با توجه ویژه به مشکلات کشورهای در حال توسعه

ابوالفضل شهر آبادی (مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت بورس اوراق بهادار)
ندا بشیری (دانشجوی دکترای اقتصاد بین‌الملل، سرپرست بورس قزوین)

بیوگرافی:

درجات افتخاری زیادی از دانشگاه‌های آمریکا، اروپا و آفریقا دریافت کرده و در دوره ۱۹۶۶-۱۹۷۳ رئیس افتخاری مؤسسه «ویتزمن» و در سال ۱۹۸۲ رئیس انجمن اقتصاددانان آمریکا شد. خلاصه اینکه لوئیس اقتصادی است با بضاعت علمی فراوان که توانسته معرفت علمی را با امور عملی پیوند دهد. سر آرتور لوئیس به سال ۱۹۹۱ و در سن ۷۶ سالگی درگذشت.

اثر مشهور او نظریه توسعه اقتصادی که در ۱۹۵۵ ارائه شد، یکی از نخستین کتاب‌های درسی مربوط به مسائل توسعه در جهان سوم محسوب می‌شود که در دوره پس از جنگ منتشر شده است. او مقاله «توسعه اقتصادی با عرضه کار محدود» را نیز به سال ۱۹۵۴ نوشته بود که بارها توسط اقتصاددانان دیگر مورد اشاره قرار گرفت.

این مقاله به مشخصات «اقتصادهای دوگانه» اشاره می‌کند که در آن بخش کوچکی از اقتصاد شهری و صنعتی شده در مقابل بخش بزرگی از اقتصاد روستایی با محوریت کشاورزی در میان گرفته شده، درست همانند جزیره ای که توسط اقیانوسی احاطه شده باشد. اما از طرفی هم به بخش صنعت توجه بیش‌تری معطوف می‌شد، بنابراین معمولاً پیشرفت بخش صنعت به مدد توجهات، بیش‌تر خودنمایی می‌کرد. اولین و مشهورترین مدل توسعه‌ای که به‌طور ضمنی به فرایند مهاجرت از روستا به شهر توجه کرد، مدل آرتور لوئیس (۱۹۵۴) است که بعدها توسط جان فی و گوستاو رانیس (۱۹۶۱) توسعه یافت و به مدل توسعه لوئیس-فی-رانیس (L-F-R) معروف شد.

این مدل به عنوان نظریه عمومی فرایند توسعه «نیروی کار مازاد» ملت‌های جهان سوم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شناخته شد.

در این مدل، اقتصاد شامل ۲ بخش است:

بخش سنتی یا بخش روستایی موجود که مشخصه آن بهره‌وری بسیار پایین و مازاد نیروی کار است.

لوئیس در سال ۱۹۱۵ در سن لوسیا متولد شد. او پس از اتمام تحصیلات متوسطه در سن لوسیا، در سال ۱۹۳۴ به مدرسه عالی اقتصاد لندن پیوست و در سال ۱۹۳۷ فارغ‌التحصیل شد. او از سال ۱۹۳۸، تدریس در مدرسه عالی اقتصاد لندن را انتخاب کرد و تا سال ۱۹۴۸ در همین شغل باقی ماند. لوئیس در اوایل دهه ۱۹۴۰ فوق‌لیسانس و دکترای خود را از دانشگاه منچستر گرفت. او در سال ۱۹۴۸ به استادی کرسی اقتصاد دانشگاه منچستر رسید و دوره پربراری را در این دانشگاه آغاز کرد. او ابتدا کتاب بررسی اقتصادی (۱۹۳۹-۱۹۱۸) را تألیف کرد و سپس به انتشار کتاب اصول برنامه‌ریزی اقتصادی و کتاب نظریه رشد اقتصادی مبادرت کرد. لوئیس در عین حال به عنوان مشاور امور مدتی نیز به کشورهای مختلف از جمله نیجریه و غنا مشاوره اقتصادی می‌داد.

لوئیس در سال ۱۹۵۸ دانشگاه منچستر را ترک کرد و به عنوان رئیس مؤسسه آموزش جزایر هند غربی مشغول به کار شد و در سال ۱۹۶۳ که این مؤسسه به دانشگاه تبدیل شد لوئیس به عنوان معاون اول آن برگزیده شد. در سال ۱۹۶۳ لوئیس از دربار بریتانیا نشان «نجیب‌زادگی» گرفت و در همین سال به آمریکا رفت تا در دانشگاه پرینستون تدریس کند. او در سال ۱۹۷۰ رئیس بانک عمران منطقه کارائیب شد، ولی در سال ۱۹۷۳ مجدداً به دانشگاه پرینستون پیوست. موضوع آثار لوئیس به تدریج از اقتصاد برنامه‌ریزی به اقتصاد تطبیقی گرایش پیدا کرده است. کتاب‌هایی نظیر توسعه برنامه‌ریزی: مبانی برنامه‌ریزی اقتصادی (۱۹۶۶)، نظراتی در رشد اقتصادی نیجریه (۱۹۶۷)، جنبه‌هایی از توسعه اقتصادی (۱۹۶۹)، توسعه منطقه استوایی ۱۸۸۰-۱۹۱۳ (۱۹۷۱)، تکامل نظام اقتصادی بین‌المللی (۱۹۷۷) و رشد و نوسانات (۱۹۷۸) حاوی تطور اندیشه‌های لوئیس است.



اولین و مشهورترین مدل توسعه‌ای که به‌طور ضمنی به فرایند مهاجرت از روستا به شهر توجه کرد، مدل آرتور لوئیس (۱۹۵۴) است که بعدها توسط جان فی و گوستاو رانیس (۱۹۶۱) توسعه یافت و به مدل توسعه لوئیس-فی-رانیس (L-F-R) معروف شد.

بخش صنعتی یا درون شهری که بهره‌وری آن بالا است و نیروی کار، به تدریج از بخش روستایی، جذب آن می‌شود.

این مدل بر فرایند انتقال نیروی کار و رشد اشتغال در بخش صنعتی (مدرن)، تمرکز می‌کند که ناشی از گسترش و رشد تولید در آن است. سرعت این انتقال، به نرخ تراکم سرمایه صنعتی در بخش مدرن، وابسته است. نرخ تراکم سرمایه نیز به مازاد سودهای به دست آمده در بخش مدرن، بستگی دارد. فرضیات اساسی این نظریه این است که سرمایه‌داران، تمامی سودهای حاصله را دوباره سرمایه‌گذاری می‌کنند و سطح دستمزدها در بخش شهری ثابت بوده و مقداری (حدود ۳۰ درصد) بالاتر از مناطق سنتی روستایی است. با این وجود، عرضه نیروی کار به مناطق شهری کاملاً کشش‌پذیر و پرجاذبه محسوب می‌شود.

این جریان تا جایی ادامه می‌یابد که همه نیروی کار مازاد بخش سنتی (روستایی)، جذب بخش مدرن شهری شوند. از آن به بعد، منحنی عرضه نیروی کار شیب مثبت خواهد داشت، به این معنی که اشتغال و دستمزد شهری با یکدیگر رشد خواهند کرد. انتقال ساختاری اقتصاد با ایجاد تعادل در جابه‌جایی فعالیت‌های اقتصادی از بخش کشاورزی روستایی به صنعت شهری اتفاق خواهد افتاد.

بنابراین در مدل لوئیس می‌بینیم که پس از مدتی با پیچیده‌تر شدن مسائل اقتصاد دوگانه، وابستگی درونی بین عملکردهایی که بخش‌های صنعتی پیش‌رفته و کشاورزی عقب‌مانده باید نشان می‌دادند، بیش از پیش به چشم می‌خورد. بخش عقب‌مانده یا کشاورزی که توجه کمی را به خود جلب کرده بود، نه تنها منابع جدید مالی را به سمت خود نمی‌کشید، بلکه باید منابع خود را به نفع بخش صنعتی نیز آزاد می‌کرد و بخش صنعتی هم به‌نوبه خود باید قادر می‌بود که به جذب این منابع بپردازد. اما نه آزاد کردن این منابع و نه جذب آن‌ها، به خودی خود

برای وقوع توسعه اقتصادی کفایت نمی‌کرد. در واقع این دو بخش به یکدیگر وابستگی درونی داشتند و تکیه بیش از اندازه به بخش صنعت موجد توسعه یافتگی اقتصادی نخواهد بود.

نیروی کار در اقتصادهای دوگانه با دستمزد ثابتی معادل حداقل آن چه در کشاورزی سنتی دریافت می‌دارد، حاضر به قبول شغل در بخش صنعت است و چون بی‌کاری پنهان در بخش کشاورزی وجود دارد، عرضه کار فراوان لاقط در مراحل اولیه برای صنعتی شدن فراهم است. در مراحل بعدی، مازاد نیروی کار مرحله به مرحله از بین خواهد رفت و در این صورت تنها افزایش دستمزد است که باعث می‌شود نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت روی آورد.

اگر در بخش کشاورزی فرآیند تولید را کاربر و در بخش صنعتی سرمایه بر بدانیم، ممکن است شیوه فنی در صنعت، مانع از پیشرفت در بخش کشاورزی شود و این به نوبه خود بر فرآیند توسعه نیافتگی صحنه بگذارد. زیرا، نیروی کار می‌تواند فقط از کشاورزی به صنعت و هماهنگ با سرعت رشد سرمایه جذب شود. هم‌چنین، سرمایه‌پذیری به تنهایی فرصت‌های اشتغال را در صنعت محدود ساخته و بی‌کاری شهری را تشدید می‌کند، کم‌کاری را در بخش کشاورزی تداوم بخشیده و بنابراین رشد بهره‌وری در بخش کشاورزی ممکن است به آرامی کاهش یابد.